

تحلیل گفتمانی جنبش شبکه‌ای انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۴

رضا حیدری^۱

حسن آبنیکی^{۲*}

سیدخدایار مرتضوی^۳

گارینه کشیشیان سیرکی^۴

چکیده

این مقاله با استفاده از روش اسنادی، جنبش شبکه‌ای انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ را با تمرکز بر تحولات تونس و مصر مورد مطالعه قرار داده است. سؤال این است که: از منظر رهیافت گفتمانی چه علل و عواملی منجر به مفصل‌بندی جنبش شبکه‌ای انقلاب‌های عربی گردید؟ ایده اصلی نوشتار حاضر این است که: ازجاکندگی گفتمان اقتدارگرایی در کشورهای عربی به دلیل استبداد و فساد، زمینه را برای مفصل‌بندی گفتمان مقاومت و جنبش‌های شبکه‌ای برآمده از آن، فراهم نمود. نتایج این پژوهش بیان‌گر آن است که رژیم‌های عربی به دلیل استبداد، فساد، سرکوب و ناکارآمدی اقتصادی، دچار بحران مشروعیت گردیده و در غیاب آن جنبش انقلابی شکل گرفت که مهمترین دال‌های آن «آزادی، کرامت و رفاه» بودند. این جنبش با استفاده از شبکه‌های مجازی توانست تمامی اقشار و گروه‌های سیاسی را علیه دیکتاتوری‌های حاکم بسیج نماید.

واژگان کلیدی: گفتمان، اقتدارگرایی، بحران مشروعیت، جنبش شبکه‌ای، تونس و مصر

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی (rheidarishad52@gmail.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول: habniki@yahoo.com)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی (skmortazavia@gmail.com)

۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

در دسامبر ۲۰۱۱ جنبشی مردمی، خاورمیانه و شمال آفریقا را فراگرفته و سرآغاز اعتراض‌های زنجیره‌ای در جهان کشورهای عربی از تونس، مصر، لیبی و مراکش گرفته تا یمن و بحرین گردید. معترضان به خیابان آمدند تا آزادی، مردم‌سالاری، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و در یک کلام «تغییر» را طلب کنند. امواج توفنده جنبش‌های انقلابی در جهان عرب، طومار برخی از حکومت‌های ریشه‌دار و قدرتمند منطقه را برچید. مسئله اصلی پیش‌روی جامعه‌شناسان این است که چه علل و عواملی منجر به شکلگیری و تکوین جنبش‌های انقلاب در جهان عرب گردید؟

با عنایت به تأثیر تحولات خاورمیانه بر منافع و امنیت ملی ج.ا.ا، شناسایی دقیق و کارشناسی از این تحولات و رونمایی از علل و عوامل و بسترهای وقوع حوادث و همچنین روندشناسی تحولات آینده برای تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی کشور مهم و ضروری است. بر همین اساس این مقاله با هدف دستیابی به چارچوبی مناسب برای فهم تحولات ۲۰۱۱ در کشورهای عربی خاورمیانه و مبتنی بر روش «تحلیل گفتمان» لاکلا و موف صورت پذیرفته است تا از این طریق، علل و زمینه‌های تحولات سیاسی و اجتماعی جهان عرب به صورت علمی شناسایی گردیده و همچنین گفتمان‌ها و جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی نوظهور خاورمیانه مورد واکاوی قرار گیرد. سؤال اصلی این پژوهش این است که: از منظر رهیافت گفتمانی چه علل و عواملی منجر به مفصل‌بندی جنبش شبکه‌ای انقلاب‌های عربی گردید؟ ایده اصلی نیز عبارت است از اینکه: ازجاکندگی گفتمان اقتدارگرایی در کشورهای عربی به دلیل استبداد و فساد، زمینه را برای مفصل‌بندی گفتمان مقاومت و جنبش‌های شبکه‌ای برآمده از آن، فراهم نمود.

الف - پیشینه تحقیق

تنوع عوامل و بازیگران این جنبش‌ها باعث گردید تا تحلیلگران با تعابیر متفاوت: انقلاب‌های رنگی، بهار عربی، بیداری اسلامی و انقلاب توییتری، از آن‌ها نام برده و از نگاه‌های متفاوتی تلاش کردند این رویداد شگفتی‌ساز را مورد کنکاش و بررسی قرار دهند.

بیات، آصف^۱ (۲۰۱۷) در کتاب «درک بهار عربی؛ انقلاب بدون انقلابیون»، ضمن پیگیری نظریه معروفش؛ «زندگی به مثابه سیاست»، نحوه زیست اجتماعی و معیشت خیابانی فرودستان جوامع در

1 . Asef Bayat

حال توسعه را موجب به هم زدن نظم و قواعد موجود در سیستم شهری لیبرالیسم می‌داند. فرآیندی که از آن تحت عنوان «ناجنبش‌های اجتماعی» یا «سیاست خیابانی» نام برده و انقلاب عربی را از این زاویه مورد مطالعه قرار داده است. آشکار، ژیلیر (۱۳۹۵) در کتاب «واکاوی خیزش‌های عربی» از نگاه مارکسیستی به مطالعه تحولات کشورهای عربی پرداخته است. وی با توصیف وضع اسفبار طبقات کارگر، زنان و جوانان در این جوامع، معتقد است که این خیزش‌ها ناشی از مبارزه این نیروها علیه سرمایه‌دار رفاقتی، رانت‌خوار، خویشاوندمدار است که در قالب‌های عوام‌فریبانه ناسیولیستی، جمهوری خواه و یا سلطنتی طی دهه‌ها بر این کشورها حکومت نموده‌اند.

مانوئل کاستلز^۱ (۱۳۹۳) نیز در کتاب خود با عنوان «شبکه خشم و امید» در صدد تطبیق نظریه «قدرت ارتباطات و اطلاعات» با جنبش‌های عربی برآمده است. وی این جنبش‌ها را تجلی عینی «شبکه‌سازی» در بستر فضای مجازی می‌داند. حسین بشیریه (۱۳۹۴) نتیجه مطالعه خود در این زمینه را در کتابی تحت عنوان «از بحران تا فروپاشی؛ کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی» منتشر نموده است. از نظر بشیریه، تلاقی و پیوند چالش‌های اقتصادی ناشی از بحران مالی جهانی با بحران مشروعیتی که رژیم‌های حاکم بر این کشورها از مدت‌ها قبل درگیر آن بودند، زمینه‌ساز نارضایتی و بسیج طبقات مختلف اجتماعی و سیاسی تونس و مصر گردیده و قیام عمومی را رقم زد.

ب- روش‌شناسی

روش گردآوری داده‌های پژوهش، کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری است. ضمن آنکه نتایج حاصله از این پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی و تحلیلی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. چارچوب نظری پژوهش نیز براساس روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف است.

روش تحلیل گفتمان^۲ لاکلا و موف^۳؛ روشی توصیفی است که با تمرکز بر مفاهیمی نظیر قدرت، سیاست و ایدئولوژی، به تبیین و تحلیل عملکرد پدیده‌های اجتماعی، سیاسی مبادرت می‌نماید.

گفتمان؛ جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد و مفاهیم در درون گفتمان‌های متضاد بار معنایی می‌یابند. گفتمان‌ها بنا بر مطالبات و الزامات اجتماعی و سیاسی جامعه و نیز کاستی‌هایی که گفتمان

.....
1 . Manuel Castells
2 . Discourse Analysis
3 . Laclau & Mouffe

حاکم به آن دچار شده‌اند، نظام معنایی خود را ساخته و آن را به عنوان نظامی کارآمد در برون‌رفت از مشکلات جامعه ارائه می‌دهند.

هویت یک گفتمان، هویتی سیال و ناشی از رابطه معنادار میان عناصر گوناگون است که از آن تعبیر به «مفصل‌بندی» می‌شود. زمانی که یک گفتمان دچار تصلب و عدم انطباق با زیست‌بوم اجتماعی خود گردد، دچار بی‌قراری و ازجاکنندگی می‌شود. در مقابل اگر گفتمانی بتواند بر مسائل و مشکلات جامعه فائق آمده و با تثبیت نظام معنایی خود، نظام‌های معنایی سایر رقبا را به حاشیه براند، این گفتمان «هژمونیک» می‌گردد. این فرآیند از طریق اسطوره‌سازی، نمادسازی و ارائه چشم‌اندازی آرمانی و مطلوب از آینده صورت می‌پذیرد. ظهور یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول دال مرکزی صورت می‌پذیرد و سایر دال‌ها از طریق ارتباط و قرار گرفتن در کنار دال مرکزی، معنا و هویت می‌یابند (فیلیپس و یورگنسن، ۱۳۸۹؛ ۹۷).

از منظر گفتمانی؛ قدرت به مثابه مویرگ در سراسر جامعه پراکنده بوده و در گروه یا حزب خاصی منحصر نیست. گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود در میان عناصر را از بین برده و وحدت و انسجام میان آن‌ها ایجاد می‌کنند. درمقابل، منطق تعارض از طریق تأکید بر تفاوت‌ها، نوع جدیدی از مفصل‌بندی را ایجاد می‌کند.

مفهوم «سوژگی» در تحلیل گفتمان از دو منظر قابل تبیین است. از یکسو احاطه گفتمان هژمون بر سوژه منجر به اضمحلال آزادی عمل ایشان در درون نظام معنایی گفتمان می‌گردد و از سوی دیگر سوژه به معنای کنشگری فعال، گفتمان حاکم را به چالش کشیده و سرنوشت دیگری را برای خود و جامعه رقم می‌زند.

نخستین قدم در تحلیل‌های سیاسی در قالب نظریه گفتمان، شناسایی فضایی است که حداقل دو گفتمان در آن فضا با یکدیگر رابطه تخصصی برقرار کرده و درصدد حذف دیگری‌اند. این منازعات معنایی مشتمل بر کردارهای گفتمانی و زبانی همچون سخنرانی، مطبوعات، برنامه‌های صوتی تصویری و همچنین کردارهای گفتمانی غیرزبانی (تحریم‌ها؛ نافرمانی مدنی، حبس و توقیف، حمایت‌های سیاسی، مالی، روانی، اردوکنشی‌های خیابانی) است (تاجیک، ۱۳۷۹؛ ۶۴).

امروزه در سایه توسعه فناوری‌های مدرن ارتباطاتی و اطلاعاتی، شاهد شکل‌گیری جنبش‌های نوینی هستیم که برخلاف جنبش‌های کلاسیک، فاقد رهبری و سلسله‌مراتب مشخص بوده، گفتمانی هستند و به صورت افقی و شبکه‌ای سازماندهی و فعالیت می‌نمایند. بررسی انقلاب‌های عربی از منظر

تحلیل گفتمان، حاکی از تضاد منافع و رقابت دو گفتمان اقتدارگرایی و مقاومت است. جنبش‌های شبکه‌ای برآمده از این گفتمان، در بستر فضای مجازی صورت‌بندی گردیده، به صورت افقی گسترش یافت و ضمن بسیج تمامی اقشار و طبقات جامعه، دیکتاتوری‌های حاکم را ساقط نمودند. در ادامه تحولات تونس و مصر به عنوان دو کشور پیشتاز این انقلاب‌ها، مورد مطالعه قرار گرفته است.

پ- بیان داده‌ها

۱- ویژگی‌های گفتمان اقتدارگرایی در تونس و مصر

خودکامگی و استبداد، عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی، فقر و محرومیت، فقدان جامعه مدنی، نقش فزاینده نظامیان در ساختار قدرت، خفقان و سرکوب، ویژگی گفتمان‌های اقتدارگرایی حاکم بر تونس و مصر در دهه‌های گذشته است. دیکتاتوری به عنوان دال اصلی این گفتمان بود و سایر دال‌ها حتی مفهوم توسعه نیز متأثر از این متغیر بود.

نظریه پرداز شهیر عرب، طارق رمضان کاستی‌های عمده این رژیم‌ها را چنین جمع‌بندی می‌کند: «خودکامگی، نبود حاکمیت قانون، عدم برابری شهروندان، نبود حق رأی همگانی و عدم مشارکت واقعی مردم در سیاست، حمایت‌گزینشی و نبود تفکیک میان قوای حکومتی.» (بن‌گرید به هابسبام، ۱۳۹۰).

هرچند این رژیم‌ها با تشکیل احزاب صوری و برگزاری انتخابات فرمایشی به ظاهر، گام‌هایی در مسیر دموکراسی برداشتند، لکن اقلیت سیاسی و تجاری، همچنان قدرت را در انحصار داشته و با سرکوب نیروهای سیاسی و مدنی، مانع از تمرکززدایی از قدرت و توزیع آن در سطح جامعه گردیدند. به گزارش نهاد بین‌المللی خانه آزادی: کشور مصر در زمان رژیم مبارک، در زمینه آزار و اذیت و بازداشت گسترده روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، فعالان حقوق بشر، روشنفکران و مخالفان سیاسی مورد اعتراض و پیگیری این نهاد قرار گرفته است (گاردین، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۰).

رژیم‌های تونس و مصر با توسل به سازمان‌های عریض و طویل اطلاعاتی و امنیتی اقدام به کنترل رفتار شهروندانشان می‌نمودند. برای نمونه در مصر ۴۶۰ هزار نفر پرسنل سازمان اطلاعات و متکفل امور استخباراتی - امنیتی بودند.

جدول شماره ۱: وضعیت دو کشور تونس و مصر از حیث شاخص توسعه سیاسی (شاخص نمره از ۱۰)

نام کشور	نوع ساختار سیاسی	شاخص فرآیند انتخابات و تکرارگرایی	شاخص فرهنگ سیاسی دموکراتیک
اسپانیا	دموکراسی کامل	۹/۵۸	۸/۷۵
آفریقای جنوبی	دموکراسی نسبی	۸/۷۵	۶/۸۸
ترکیه	حکومت بینابینی	۷/۶۲	۵
مراکش	دیکتاتوری	۳/۵	۵/۶۳
مصر	دیکتاتوری	۲/۶۷	۵
الجزایر	دیکتاتوری	۲/۶۷	۵/۶۳
یمن	دیکتاتوری	۲/۱۷	۵
تونس	دیکتاتوری	۰	۵/۶۳
لیبی	دیکتاتوری	۰	۵
عربستان سعودی	دیکتاتوری	۰	۳/۷۵

منبع: The Economist Intelligence Units Index of Democracy 2010

رانت خواری و فساد گسترده و نهادینه شده؛ بارزترین ویژگی گفتمان‌های قدرت حاکم بر تونس و مصر بود. در خصوص فساد خانواده مبارک گفته می‌شود که آن‌ها بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلار دارایی داشتند. خاندان بن علی نیز طی سال‌ها حکومت بر تونس، میلیاردها دلار سرمایه جمع‌آوری و در خارج سرمایه‌گذاری نمودند (Goldstone, 2011a: 158).

از نیمه دوم قرن بیستم، اصلاحات نئولیبرالیستی در دستور رژیم‌های تونس و مصر قرار گرفت. نتیجه این سیاست‌ها رشد اقتصاد کم‌پرادور و مصرفی مبتنی بود که به بهای نابودی اقتصاد سنتی و کشاورزی صورت پذیرفت. توسعه ناموزون شهرنشینی و مهاجرت لجام‌گسیخته به کلان‌شهرها، منجر به تشدید حاشیه‌نشینی و شکل‌گیری طبقه نوظهور تهیدستان شهری در این جوامع گردید. در سال ۲۰۱۲ بیش از ۲۵ درصد جمعیت شهری تونس و مصر را زاغه‌نشینان و ساکنین حلبی‌آبادها در حاشیه شهرهای بزرگ، شامل می‌شدند (لوید، ۱۳۹۲؛ ۱۰۶). از طرفی این سیاست‌ها منجر به تقویت طبقه متوسط جدیدی با مطالبات متنوع سیاسی و اقتصادی همچون؛ آزادی‌خواهی، حقوق شهروندی و توسعه سیاسی گردید. موضوعی که طی دهه‌ها حاکمیت دیکتاتوری و سرکوب در این کشورها، مغفول مانده بود.

در این میان بحران مالی و اقتصادی جهانی در ۲۰۰۸، روند اصلاحات و توسعه اقتصادی در تونس و مصر را با اختلال جدی مواجه ساخت که حاصل آن کسری منابع، رکود، تورم و فقر فزاینده بود. این بحران‌ها، توانایی رژیم‌های حاکم را جهت پاسخگویی به مطالبات اقشار و طبقات مختلف جامعه تضعیف نمود. اخراج، کاهش دستمزدها، حذف بیمه‌های درمانی و بسیاری دیگر از امکانات مورد نیاز مردم، موجی از نگرانی را در میان آنان ایجاد نمود. بحران اقتصادی، سایر شکاف‌ها و بحران مشروعیتی که این رژیم‌ها از مدت‌ها قبل دچار آن بودند را تقویت نمود. (Bayat, 2017; 123)

جدول شماره ۲: شاخص‌های اقتصادی و توسعه تونس در مقایسه با مصر و برخی کشورهای منطقه

کشور	جمعیت (میلیون نفر)	تولید ناخالص ملی (برانه دلار)	شاخص توسعه انسانی	فروخ تورم (درصد)	جمعیت زیر خط فقر (درصد)	فروخ بیماری (درصد)	میزان باسواد	شاخص فساد
اسپانیا	۴۶	۲۹۶۵۰	۰/۸۶۳	۱/۳	۱۹/۸	۲۰	۹۷/۹	۶/۱
آفریقای جنوبی	۵۰	۱۰۰۰۰	۰/۵۹۷	۴/۵	۵۰	۲۵	۸۸	۴/۵
ترکیه	۷۲	۱۳۳۹۲	۰/۶۷۹	۸/۷	۱۷	۱۲/۴	۸۸/۷	۴/۴
مراکش	۳۲	۴۷۷۳	۰/۵۶۷	۲/۵	۱۵	۹/۸	۵۵/۶	۳/۴
مصر	۸۰	۶۲۰۰	۰/۶۲۰	۱۳	۲۰	۹/۴	۶۶/۴	۳/۱
الجزایر	۳۴	۷۴۰۰	۰/۶۷۷	۵	۲۳	۱۰	۷۵/۴	۲/۹
یمن	۲۲/۵	۲۶۰۰	۰/۴۳۹	۱۲	۴۵	۳۵	۵۹	۲/۲
تونس	۱۰/۵	۹۵۰۰	۰/۶۸۳	۴/۵	۳/۸	۱۳/۳	۷۷/۷	۴/۳
لیبی	۶/۵	۱۴۸۷۸	۰/۷۵۵	۳	۷/۴	۱۳	۸۶/۸	۲/۲
عربستان	۲۷	۲۳۷۴۷	۰/۷۵۲	۵/۷	۰	۱۱/۶	۸۵	۴/۷

منبع: United Nations Development Program, The World Factbook 2008

۲- از جاکنندگی گفتمان اقتدارگرایی و مفصل‌بندی گفتمان مقاومت در تونس و مصر

گفتمان‌های اقتدارگرایی حاکم بر تونس و مصر به دلیل عدم اجابت مطالبات اقشار مختلف جامعه، دچار بی‌اعتباری و ازجاکنندگی شدند. این مسئله، نیروهای سیاسی در این کشورها را مجاب نمود که زمان دگرگونی گفتمان اقتدارگرایی فرارسیده است. لذا با مفصل‌بندی گفتمان مقاومت و

انقلابی، هویت و معنای خود را بازسازی نمودند.

«کرامت انسانی، برابری و آزادی‌خواهی» مهم‌ترین دال‌های گفتمان انقلابی در تونس و مصر بود که در شعارها و نمادهای انقلابیون متجلی گردید. از این‌رو از این انقلاب‌ها به ثوره‌الکرامه تعبیر می‌شود.

این مطالبات به عنوان ترجیح‌بند مطالبات تمامی اقشار جامعه، زنجیره هم‌ارزی از سلاقی سیاسی را ایجاد نمود. به نحوی که علی‌رغم تضادهای بنیادین ذیل گفتمان مقاومت، جبهه منسجمی را در مقابل گفتمان اقتدارگرایی ایجاد نمودند. در این میان خودسوزی محمد بوعزیزی جوان دست‌فروش تونسی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۱ و در اعتراض به برخورد مأموران دولتی و همچنین قتل جوانی به نام خالد سعید در اثر شکنجه مأموران حکومت مصر در ژانویه همان سال، شعله‌های انقلاب در تونس و مصر را برافروخته و با سرعت جنبه جهانی به خود گرفت. از منظر تحلیل گفتمانی؛ جهانی‌شدن موقعیتی همگن را میان کنش فردی عرب و دال‌های دموکراسی، عدالت و تغییر صورت‌بندی نمود. در این میان فناوری اطلاعات به عنوان مهم‌ترین دال این گفتمان، تعامل نمادین میان ساختار - کارگزار را در جهان عرب تکوین نمود.

بسیاری از تحلیلگران، جنبش‌های تونس و مصر را متأثر از موج جهانی «دموکراسی‌خواهی» می‌دانند. چنانچه سعدالدین ابراهیم جامعه‌شناس مشهور مصری تعبیر موج سوم دموکراسی‌خواهی را برای تبیین تحولات کشورهای عربی به کار می‌بندد. وی معتقد است این موج که مدت‌ها قبل شروع شده، در حال وزیدن به سمت خاورمیانه است و بدون شک این منطقه تغییر و تحولات بنیادینی را از سر خواهد گذراند (نصری، ۱۳۹۲: ۳۳).

متغیر «دموکراسی‌خواهی» وجه تمایز گفتمان انقلاب ۲۰۱۱ با جنبش‌های انقلابی دهه‌های گذشته در این جوامع است که مبتنی بر «ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی یا مارکسیستی» مفصل‌بندی گردیدند. یوسف جبارین معتقد است:

«توسعه شهرنشینی و وسایل ارتباط جمعی، افزایش سریع باسوادی به ویژه در میان زنان و جوانان در تونس و مصر، حکایت از این موضوع مهم دارد که جوامع عربی به سمت مدرنیزاسیون فرهنگی و فکری که محصول گفتمان جهانی‌شدن هستند، سیر نموده و جنبش‌هایی را مفصل‌بندی نمودند که با شعار نه به خشونت و با تکیه بر مفاهیمی همچون رفع فقر، محرومیت، اعاده حقوق بشر، عدالت اجتماعی و دولت پاک و همچنین حق تعیین سرنوشت به پیروزی رسید. جبارین معتقد است ایده

مشترک «بازسازی شخصیت عربی» و گفتمان نوین «پان‌عربیسیم» از طریق رسانه‌های مدرن، در حال تکوین است» (جبارین، ۲۰۱۱؛ ۱۰۹).

جنبش‌های انقلابی تونس و مصر حاصل اجماع و ائتلاف بین قشرهای مختلف اجتماعی بوده و منحصر به یک قشر یا طبقه خاصی نبودند. به همان اندازه که کارگران حضور داشتند، عناصر محروم و تهیدست، جوانان بیکار، طبقه متوسط و حتی عناصری از طبقه مرفه نیز در جنبش حضور داشتند. این جنبش‌ها فاقد ایدئولوژی مشخص بوده و حول گفتمان «هویت‌خواهی» صورت‌بندی گردیدند. صاحب‌نظرانی همچون ماها عبدالرحمن و محمدصادق بوعلایق معتقدند: «انقلاب تونس و مصر؛ انقلاب نان، آزادی و عزت بود که همه اقشار و گروه‌های اجتماعی را دربرگرفت. آنان بدون سازماندهی و تحت فرمان هیچ رهبر و ایدئولوژی نبودند» (آرتز و همکاران، ۱۳۹۳؛ ۶۹).

با این حال این جنبش‌ها، مطالبات مشخصی داشتند که برای برآوردن آن‌ها، مبارزه‌ای نفس‌گیر را با دیکتاتوری حاکم تدارک دیدند. در این میان شبکه‌های مجازی، نقش مؤثری در انسجام و هماهنگی میان اجزای مختلف جنبش انقلابی تونس و مصر ایفا نموده و توانستند از کنش‌های منفرد و متمایز شده، جنبشی فراگیر را سازماندهی نماید.

۳- جنبش شبکه‌ای انقلاب‌های عربی

نقش بی‌بدیل «شبکه‌های اجتماعی مجازی» در انقلاب‌های عربی، موجب گردید تا از آن‌ها به «انقلاب فیس‌بوک»، «ویکی انقلاب»^۱ یا «اولین انقلاب توئیتری» تعبیر شود. (کاستلز، ۱۳۹۳؛ ۵۸).

پخش تصاویر خودسوزی بوعزیزی در اینترنت، نخله اولیه انقلاب تونس را شعله‌ور نمود. در واکنش به این حادثه، گروهی از جوانان تونسی با ایجاد صفحه فیس‌بوکی با عنوان «همه ما بوعزیزی هستیم»، اخبار اعتراض‌ها و تظاهرات مردم را منتشر نمودند. به گفته ارسکین: «پس از چندی با انتشار تصاویر دلخراش خودسوزی آن جوان سبزی‌فروش در شبکه‌های اجتماعی، مردمان چون ذرات باروت به هم پیوسته و طومار دیکتاتوری را برچیدند» (Bayat, 2017; 103).

در مدت نسبتاً کوتاهی، جریان حادثه در سطح وسیعی منتشر گردیده و تأثیر سیرایتی این حادثه در ابتدا تونس و به تدریج تمامی کشورهای عربی منطقه را دربرگرفت. به طوری که بلافاصله پس از انقلاب تونس، جوانان معترض مصری نیز به تبعیت از آن و در واکنش به قتل خالد سعید (کاربر

1 . Wiki Revolution

جوان اینترنتی) اقدام به راه‌اندازی صفحه‌هایی با عناوین: «همه ما خالد سعید هستیم و «جمعه خشم» در فیس‌بوک و توییتر نموده و زمینه‌ساز انقلاب ۲۰۱۱ این کشور گردیدند.

«تونس نیوز»، «نواه» و «استفاقه» مهم‌ترین شبکه‌های فعال در جنبش تونس بودند. مهم‌ترین گروه‌های فعال مصری نیز عبارت بودند از جنبش ششم آوریل^۱، جوانان اخوانی، جنبش عدالت و آزادی، حرکت الغد و جوانان مسیحیان قبطی. تمامی برنامه‌های جنبش همچون؛ اطلاع‌رسانی، هم‌اندیشی، بسیج نیرو و سازماندهی از طریق این شبکه‌ها صورت می‌پذیرفت.

مروری بر آمار کاربران اینترنتی این کشورها طی سال‌های گذشته، این موضوع را اثبات می‌نماید.

جدول شماره ۳: تعداد کاربران اینترنت در کشورهای عربی در ۲۰۰۹

نام کشور	تعداد کاربران	کل جمعیت	متوسط سن
مصر	۲۰,۱۳۶,۰۰۰	۸۰,۴۷۱,۸۶۹	۲۴
تونس	۳,۵۰۰,۰۰۰	۱۰,۴۳۲,۵۰۰	۲۴/۹
الجزایر	۴,۷۰۰,۰۰۰	۳۴,۸۹۵,۴۷۰	۲۷/۱
لبنان	۱,۰۰۰,۰۰۰	۴,۲۲۳,۵۵۳	۲۱/۸
لیبی	۳۵۳,۹۰۰	۶,۴۱۹,۹۲۵	۲۴/۲
مراکش	۱۳,۲۱۳,۰۰۰	۳۱,۹۹۲,۵۹۲	۲۶/۶
سوریه	۴,۴۶۹,۰۰۰	۲۱,۰۹۲,۲۶۲	۲۱/۵
عربستان سعودی	۹,۷۷۴,۰۰۰	۲۵,۳۹۱,۱۰۰	۲۴/۹

منبع: <http://www.khabaronline.ir/news-126393.aspx>

البته در این میان نباید از نقش شبکه‌های تلویزیونی الجزیره، المنار، العربیه، بی‌بی‌سی و پرس‌تی‌وی، در آگاهی بخشی و به ثمر نشستن انقلاب‌های عربی چشم‌پوشی نمود. این شبکه‌ها، صدای اعتراض جوانان انقلابی عرب را به جهانیان رسانده و با جلب حمایت مجامع جهانی، سیاست سرکوب رژیم‌های حاکم را بی‌اثر نمودند (جوفی، ۲۰۱۱: ۵۲۵).

۱. در ۶ آوریل ۲۰۰۸، از طریق فیس‌بوک، قراری برای اعتصاب کارگران نساجی گذاشته شد که به طرز حیرت‌آوری در مدت کوتاهی، صدها هزار نفر به عضویت آن درآمد و حکومت را مجبور به پذیرش خواسته‌هایشان از جمله افزایش بی‌سابقه دستمزدها نمودند. از آن زمان، ششم آوریل هر سال در مصر، روز ناخشنودی ملی نام گرفته و جنبشی نیز تحت عنوان «۶ آوریل» شکل گرفت (Comnino, 2015: 95).

در واقع، فضاهاى اصلی جنبش انقلابی تونس و مصر در بستر اینترنت شکل گرفت. زیرا اشکال سنتی اعتراض با حداکثر سرکوب نیروهای پلیس درهم‌شکسته می‌شد.

جوانان انقلابی عرب؛ اعتراضات را در فیس‌بوک طراحی نمودند، از طریق توییتر هماهنگ کردند، به وسیله‌ی پیامک پخش نمودند و در یوتیوب برای جهانیان به نمایش گذاشتند. طبیعت ویروسی این ویدیوها و حجم و سرعت بالای ارسال اخبار انقلاب تونس و مصر، عامل کلیدی در فرآیند بسیج و سازماندهی معترضین علیه گفتمان حاکم بود.

حضور و فعالیت میلیون‌ها کاربر اینترنتی در شبکه‌های اجتماعی و نشان دادن خشم و اعتراض خود علیه حاکمان تونس و مصر، بدون حضور در مکانی و زمانی خاص که به مدد فناوری اطلاعات و ارتباطات، صورت پذیرفت، حاکی از پیشی گرفتن قدرت جریان‌ها بر جریان‌های قدرت بود. این موضوع ضمن تجلی زمان بی‌انتهای و زمان بی‌زمان، موجب غافلگیری نیروهای کنترلی و امنیتی رژیم گردیده و قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری آن‌ها را مختل نمود. چراکه قلمروهایی ایجاد نمودند که خارج از کنترل حکومت‌ها بوده و اشکالی از خودگردانی و همبستگی را ایجاد کردند.

نقش شبکه‌های مجازی در این جنبش‌ها، مفهوم سیاست رسمی و حزبی را به سیاست رسانه‌ای و اطلاعاتی بدل نمود.

۱-۳- سوژگی و عاملیت سیاسی در جنبش شبکه‌ای تونس و مصر

جنبش‌های شبکه‌ای تونس و مصر، توانستند عاملیت و سوژگی سیاسی نیروهای ناآشنا و نوظهور عرب را متجلی سازند. در اثر فعالیت این شبکه‌ها نام و یاد محمد بوعزیزی؛ به عنوان قهرمانی که سرنوشت جهان عرب را تغییر داد، موج عظیمی در تونس و منطقه ایجاد نمود. هیچ حادثه‌ای به اندازه این رویداد، قادر نبود تا رنج ناشی از ظلم، بی‌عدالتی و تحقیر جوانان عرب را به گوش جهانیان برساند. به طوری که صدها جوان که تجربه‌ای مشابه بوعزیزی داشتند به تاسی از وی، خود را آتش کشیدند. انتشار تصاویر این اقدام نمادین در شبکه‌های مجازی، شعله انقلاب‌های عربی را برافروخت. آنان نماینده میلیون‌ها جوان سرخورده عرب بودند که در سایه دیکتاتوری حاکم، از حداقل‌های زندگی محروم بودند.

بنا به آمار و برآوردهای مؤسسات بین‌المللی بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشورهای خاورمیانه از جمله تونس و مصر را جوانان زیر ۳۰ سال تشکیل می‌دهند که مهم‌ترین آرزوی آن‌ها «زیستن در

کشوری آباد و آزاد» است. جوانان تونسی و مصری در عین برخورداری از تحصیلات عالی، شرایط مساعدی نداشتند. برای مثال نرخ بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده کشورهای تونس و مصر در سال ۲۰۰۹ بیش از ۴۰ درصد یعنی دو برابر بیکاری در سطح جامعه اعلام گردیده است. نزدیک به ۷۲ درصد از این جمعیت در مشاغل غیررسمی و فاقد بیمه و حمایت‌های دولتی و اجتماعی کار می‌کنند و بیش از ۵۰ درصد از آنان هنوز ازدواج نکرده‌اند. آنان فاقد امنیت شغلی و روانی بوده و از این‌رو در انقلاب‌های عربی نقش بی‌بدیلی ایفا نمودند. گلدستون در این رابطه می‌گوید: «گروه‌های بزرگی از جوانان ناامید عرب به دلیل نارضایتی از وضع موجود، به سمت ایده‌ها و آرمان‌های جدید و جهان‌شمولی جلب شده و اشکال سنتی اقتدار را به چالش کشیدند» (Goldston, 2011a; 111).

انقلاب‌های عربی، سوژه‌ها و بازیگران جوان و ناشناخته‌ای همچون: اسما محفوظ، نواره‌نجم، احمدماهر، محمدعادل، وائل غنیم، عبدالرحمن منصور را به جهانبان معرفی نمود. قهرمانانی که در غیاب جریان‌ها و گروه‌های شاخص سیاسی، با استفاده هوشمندانه از فناوری‌های مدرن ارتباطاتی و اطلاعاتی جنبش فراگیری را سازماندهی نموده و قدرت کنشگری خود را به رخ جهانبان کشیدند. این وضعیت را می‌توان گسستی تاریخی در روندها و تحولات خاورمیانه عربی دانست. پدیده‌ای که صاحب‌نظران از آن تعبیر به «پان‌عربیسیم نوین» می‌نمایند.^۱

وبلاگ‌هایی که اسما محفوظ فعال زن مصری در ژانویه ۲۰۱۱ در فیس‌بوک به راه انداخت، نقش بارزی در تحریک و تهییج افکار عمومی مصر ایفا نمود. یکی از تأثیرگذارترین وی‌لاگ‌های وی این بود:

«هرکسی می‌گوید زن‌ها نباید به اعتراضات بپیوندند چون کتک خواهند خورد، بگذار اندکی شرف و مردانگی داشته باشد و در ۲۵ ژانویه با من به خیابان بیاید. تو اگر مردی و شرافت و کرامت داری بیا و از خواهرانت در اعتراض محافظت کن.» (Kosman, 2015; 42).

علیرغم اینکه بسیار از زنان و دختران فعال در جنبش انقلابی تونس و مصر، مورد آزار و اذیت، تجاوز جنسی و قتل توسط مأموران امنیتی قرار گرفتند، لکن هیچ‌گاه از عزم و اراده آنان برای پیگیری خواسته‌هایشان کاسته نشد.

۱. اگر ناسیونالیسم سنتی عربی، حاصل توافقات سیاسی ملی‌گرایانی همچون؛ ناصر، صدام و اسد بود، پان‌عربیسیم نوین حاصل تلاش جوانان تهدیدست و سرخورده‌ای است که متأثر از گفتمان جهانی شدن و با استفاده از شبکه‌های مجازی توانستند با هم‌نوعان خود، پیوند زبانی و فرهنگی ایجاد نموده و گفتمان جدیدی خلق نمایند.

انتخاب هوشمندانه روزهای جمعه^۱ برای برپایی راهپیمایی و نام‌گذاری نمادین آن‌ها با عناوینی چون: جمعه خشم (۲۸ ژانویه)، جمعی پاک‌سازی (۸ آوریل)، جمعه دوم خشم (۲۷ مارس)، جمعه مجازات (۱ ژوئیه)، جمعه عزم راسخ (۷ ژوئیه)، حکایت از هنر و مهارت جوانان انقلابی برای تجلی سوزگی و عاملیت سیاسی‌شان داشت.

جوانان عرب به جای تکیه بر رهبران کاریزماتیک و ایدئولوژی‌های رایج، خود رهبری جنبش را عهده‌دار گردیده و توانستند هویت و رهبری جمعی خلق نمایند. در سایه خلاقیت این نیروها، شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی باسابقه‌ای همچون النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر در ادامه به این جنبش پیوستند. انقلابیون جهت عینت بخشیدن به جنبش شبکه‌ای خود، در کنار شبکه‌های آنلاین، فضاها و میدان‌های اصلی را نیز به اشغال خود درآوردند. آنان با برپایی کرسی‌های هم‌اندیشی و کمپ‌های سیاسی در این فضاها، جنبش را پیش بردند. برنامه‌ریزی فعالان جنبش برای ایجاد یک فضای دورگه (آنلاین و آفلاین) موجب جذب تمامی گروه‌ها و اقشار اجتماعی (به ویژه آن‌هایی که به اینترنت دسترسی نداشتند) گردیده و ضمن هم‌افزایی این نیروها، موجب غافلگیری دستگاه سرکوب رژیم‌های حاکم گردیدند (آشکار، ۱۳۹۵؛ ۱۵۲).

قدرت هژمونیک جنبش انقلابی تونس و مصر ارتش‌های این کشورها را نیز تسلیم نمود. به طوری که نظامیان ضمن سلب حمایت خود از رژیم‌های متبوع، از مردم در مقابل نیروهای امنیتی حمایت نمودند. از نظر جرج گاوس؛ تجانس اجتماعی بالا و همچنین حرفه‌ای بودن ارتش در تعیین راهبرد سران و نخبگان نظامی جهت همراهی با مردم مؤثر بود^۲ (Gause, 2011; 53).

خلاقیت جوانان انقلابی عرب در اشغال فضاها، نمادین و میدان‌های اصلی شهرهای بزرگ و همبستگی ملی آنان، به عنوان الگوی اثربخشی مورد بهره‌برداری معترضین در سایر جنبش‌های اعتراضی مناطق مختلف جهان از جمله وال‌استریت آمریکا، مادرید اسپانیا و... قرار گرفت. هنگامی که

۱. با عنایت به اهمیت مذهبی و سیاسی جمعه در میان مسلمانان، انتخاب این روز برای تجمعات و راهپیمایی‌ها علیه رژیم مبارک، تأثیر فراوانی در بسیج مردمی و پیروزی جنبش تهیدستان‌شهری در مصر داشت.

۲. رهبران نظامی مجرب و آینده‌نگر تونس و مصر تشخیص دادند که نهاد آن‌ها می‌تواند در رژیم‌های جدید پس از بن‌علی در تونس و مبارک در مصر نیز نقش پراهمیتی ایفا کنند. لذا در اقدامی هوشمندانه و در بزنگاه حساس سیاسی این کشورها، وفاداری خود را از حکام همان برداشته و به جمع معترضین پیوستند. در این میان نقش ارتش در ساختار قدرت مصر و نحوه مواجهه آن با جنبش انقلابی این کشور از پیچیدگی و حساسیت بیشتری نسبت به تونس برخوردار است.

معترضین در شهر نیویورک در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱، فضاهای عمومی اطراف وال‌استریت را اشغال کردند، نام نخستین اردوگاه خود را «میدان التحریر» گذاشتند. همان‌طور که اشغالگران میدان کاتالونیا در بارسلونا این کار را کرده بودند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۲۷).

۲-۳. زنجیره هم‌ارزی و تعارض در انقلاب‌های عربی

قدرت هژمونیک گفتمان مقاومت و جنبش انقلابی جهان عرب، با ترکیبی از دال‌های مختلف از جمله؛ دموکراسی، رفاه، عدالت و برابری، کرامت انسانی، ضمن پوشش دادن به تمایزهای جنسیتی، نژادی، مذهبی، نسلی و سیاسی توانست تمامی اقشار اجتماعی و گروه‌های سیاسی را به خود جذب نماید.

گروه‌های مختلف سیاسی تونس و مصر از احزاب لیبرال، مارکسیستی و سکولار گرفته تا جریان‌های اسلامی میانه‌رو و رادیکال با کنار گذاشتن اختلافات بنیادین خود، در کنار هم جبهه منسجمی را علیه اقتدارگرای حاکم خلق نمودند.

استفاده از شاعران و نمادهای هویت‌بخشی همچون: پرچم ملی، سرود ملی، اسطوره‌ها و نمادهای ملی به این جنبش‌ها مشروعیت بخشیده، اقشار و جریان‌های مختلف سیاسی را به خود جلب نمود و رژیم‌های حاکم را مرعوب خود ساخت.

قدرت هژمونیک گفتمان انقلابی و تأکید بر دال دموکراسی، دگردیسی فکری و سیاسی جریان‌های سنتی اسلام‌گرای تونس و مصر را نیز در پی داشت. رهبران اسلام‌گرا با تأثیرپذیری از گفتمان جهانی شدن و درک صحیح از شرایط سیاسی و اجتماعی روز، تلقی نوینی از اسلام سیاسی ارائه نمودند که بتواند پاسخ‌گوی تقاضاها و مطالبات عاملان و بازیگران نوظهور صحنه سیاسی این کشورها به ویژه زنان و جوانان تحصیل‌کرده و روشنفکر باشد.

طرح نظریه سازگاری اسلامی با دموکراسی از سوی عمده جریان‌های اسلامی در تونس و مصر و مخالفت با جریان‌های تندرو در این کشورها، نشان از مفصل‌بندی جدید در درون گفتمان اسلام سیاسی بود.

جریان‌های شاخص اسلامی همچون النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر، طی سنوات اخیر در ارائه رویکرد نوین فکری و سیاسی در مواجهه با مهم‌ترین پرسش‌ها و چالش‌های جامعه از قبیل: منشأ و نحوه اعمال حاکمیت، مشارکت در قدرت، احکام جزائی و قضایی اسلام، آزادی مذهبی و

مسئله تساهل در برابر اقلیت‌های دینی، حقوق زنان، حقوق شهروندی، پیش‌قدم شدند. سران اخوان‌المسلمین حتی با تغییر نام خود به «حزب آزادی و عدالت»؛ مدلی از حکومت اسلامی را پیشنهاد نمودند که گرایش‌های مختلف سیاسی و مذهبی حتی سکولار را نیز در برگیرد. الغنوشی به عنوان رهبر اسلام‌گرایان در تونس معتقد است که:

«دولت اسلامی، دولتی از هر جهت مدنی است که تفاوتی با دموکراسی معاصر، جز از تناسب حاکمیت با شریعت و قوانین الهی ندارد. و ما متعهد به دفاع از ارزش‌های جهانی هستیم که آزادی، عدالت و توسعه را برای جامعه به ارمغان می‌آورد»^۱ (کیایی، ۱۳۹۳؛ ۲۳۹).

وی همچنین با پذیرش انتخابات واقعی به عنوان تجلی دموکراسی، می‌گوید:

«انتخابات برای ما مشروعیت دارد و ملتزم به آن هستیم و در صورتی که ملت تونس از طریق یک انتخابات سالم، حتی مارکسیست‌ها را انتخاب نماید، ما نیز حکومت آن‌ها را قانونی می‌دانیم» (کیایی، ۱۳۹۳؛ ۲۵۱).

تحول در الگوهای فکری و سیاسی جریان‌ات اسلام‌گرا، مشروعیت آن‌ها را نزد افکار عمومی جهان عرب تقویت نموده و بستری را فراهم نمود که علیرغم پیوستن دیرهنگام جریان‌ات اسلام‌گرای النهضه و اخوان‌المسلمین به جنبش انقلابی، به عنوان مهم‌ترین بازیگران و رهبران سیاسی نقش مؤثری در آن ایفا نمودند. این نیروها حتی وظیفه خطیر تشکیل اولین دولت پس از انقلاب را (علیرغم ناکامی سیاسی) نیز عهده‌دار گردیدند.

حزب النهضه در اولین انتخابات آزادی که پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری زین‌العابدین بن علی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱ برگزار شد، توانست ۹۰ کرسی از مجموع ۲۱۷ صندلی مجلس مؤسسان، یعنی ۴۱ درصد کرسی‌ها را به خود اختصاص دهد و در ۱۷ ژانویه همان سال، محمد الغنوشی به عنوان رئیس‌جمهور مأمور تشکیل کابینه گردید (Lynch, 2011; 250).

هرچند انسجامی که در جنبش مردمی تونس ایجاد گردید، مقطعی بود و بلافاصله پس از سرنگونی رژیم بن‌علی، شکاف‌ها و اختلافات سیاسی سرباز نمود. طی چهل روز حکومت الغنوشی

۱. بررسی مواضع فکری الغنوشی در زمینه مفاهیم مذکور که در آثار و کتب وی از جمله: «الحریات العامه فی الدوله الاسلامیه - آزادی عمومی در دولت اسلامی» تشریح و تبیین گردیده، حکایت از تأثیرپذیری وی از گفتمان جهانی‌شدن در باب، دموکراسی، حقوق شهروندی و بشر است. برای مثال در فهم الغنوشی، آزادی عقیده چندان موسع است که حتی به غیر مسلمانان در دولت اسلامی اجازه انتقاد از دین اسلام را می‌دهد و به آن‌ها عقاید رفتاری که مخالف وجدانشان باشد، تحمیل نمی‌کند. (الغنوشی، دی ۱۳۸۹؛ فارس نیوز).

اعتراضات سیاسی تداوم پیدا نموده و خشونت و چپاول و غارت و فرار زندانیان، هرج و مرجی در کشور ایجاد نمود. اختلافات اصلی میان النهضه و نیروهای سکولار لیبرال و نیروهای چپ بود. با ادامه اختلافات و فشارها، در ۲۷ فوریه نیز، غنوشی از نخست‌وزیری برکنار گردید. با وجود قدرت-گیری اسلام‌گرایان النهضه پس از انقلاب یاسمین، اما موفقیت حزب حاکم سکولار «ندای تونس» در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ ناشی از ترس تونس‌ها از بی‌ثباتی پس از انقلاب بود به طوری که قائدالسبسی رهبر حزب ندا از مقامات بلندپایه دولت بن‌علی به عنوان رئیس‌جمهور جدید برگزیده شد و عمده نزدیکان خود را که از وابستگان سیاسی و اقتصادی رژیم گذشته بودند به کار گماشت. پس از گذشت ۸ سال از انقلاب یاسمین، وضعیت اقتصادی مردم تونس نه تنها بهبود نیافته بلکه وخیم‌تر از گذشته گردیده و تمامی شاخص‌های اقتصادی تنزل قابل توجهی یافته است. در واقع علیرغم برخی گشایش‌ها در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی لکن انقلاب مردمی ۲۰۱۱ تونس، دستاورد اقتصادی مطلوبی نداشته است.

در مصر نیز پس از برکناری مبارک که با فشار ارتش صورت پذیرفت، شورای عالی نظامیان با در اختیار گرفتن قدرت، وعده دادند تا زمینه برگزاری انتخابات آزاد را فراهم نموده و قدرت را به منتخب مردم واگذار نمایند. خلف وعده نظامیان در برگزاری انتخابات و واگذاری قدرت، مجدداً انقلابیون را علیه ارتش به خیابان‌ها کشانده و شعار «مرگ بر حکومت نظامی» جایگزین «مرگ بر مبارک» گردید. هدی الصده فعال سیاسی در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲، وبلاگی با این مضمون منتشر نمود:

«شعار کنونی این است که انقلاب تا برچیده شدن حکومت نظامیان و زدودن بقایای رژیم مبارک ادامه خواهد یافت.» (هویدی، ۲۰۱۱، ۱۴۷).

در نتیجه تقابل خون‌باری در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میان انقلابیون و ارتش مصر رخ داد. حوادث بهار دوم انقلاب مصر در نوامبر ۲۰۱۱ و دو هفته مانده به انتخابات پارلمانی منجر به تسخیر دوباره میدان التحریر توسط جوانان انقلابی گردید که به‌رغم سرنوشتی رژیم مبارک به هیچ‌یک از خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود نرسیده بودند. فلذا خواستار پاکسازی کامل عناصر باقیمانده رژیم سابق در قدرت و حضور مؤثر در تعیین سرنوشت و آینده سیاسی و اقتصادی خود بودند. درگیری میان معترضین و ارتش منجر به کشته شدن نزدیک به ۴۰ نفر و زخمی شدن ۲۰۰۰ نفر در قاهره و دیگر شهرها گردیده و در نهایت با عقب‌نشینی مصلحتی شورای عالی نظامی، استعفای دولت و نخست‌وزیر جدید و کناره‌گیری نظامیان از قدرت، در ظاهر به نفع انقلابیون خاتمه یافت.

(جوان پور و بنی‌هاشمی، ۱۳۹۲: ۱۵۹)

هرچند این چالش‌ها با کناره‌گیری ظاهری نظامیان از قدرت و سپردن عنان حکومت به جریان منتخب مردم مصر یعنی حزب اسلام‌گرای برآمده از اخوان؛ «آزادی و عدالت» به صورت مقطعی خاتمه یافت، لکن نظامیان که دارای سابقه و نفوذ طولانی مدت در ساختار قدرت مصر بودند، ساکت نشسته و مترصد فرصتی برای به دست گرفتن قدرت باقی ماندند.

محمد مرسی از سران اخوان‌المسلمین به عنوان برنده اولین انتخابات ریاست جمهوری مصر پس از انقلاب ۲۰۱۱، وعده تشکیل یک دولت ائتلافی متشکل از تمامی گروه‌های سیاسی را داد. لکن پس از قدرت گرفتن، جمع محدودی از اخوان‌المسلمین را در دولتش منصوب نمود. عملکرد ضعیف اسلام‌گرایان در حکومت‌داری، تشدید مسائل و مشکلات اقتصادی و فساد سازمان‌یافته، توسعه روزافزون ناامنی و خشونت منجر به برانگیختن خشم و نارضایتی شدید مردم و جریان‌های مختلف علیه گروه اخوان‌المسلمین گردید. ارتش که مترصد فرصتی برای بازگشت به قدرت بود، ده‌ها میلیون معترض مصری را در قالب جنبشی موسوم به تمرد، سازماندهی نموده و در جریان کودتای نظامی در سال ۲۰۱۳ محمد مرسی را از قدرت برکنار نمود. نیروهای اسلام‌گرای وابسته به اخوان‌المسلمین به شدت سرکوب شدند و با استقرار ژنرال السیسی به عنوان رئیس‌جمهور، قدرت توسط نظامیان قبضه گردید. هرچند ارتش در ابتدا وعده‌ی دموکراسی و آزادی بیشتر از رژیم سابق و دولت مرسی را داد؛ اما پس از انحصار قدرت، برخلاف وعده‌هایش، برخی از مقامات وابسته به رژیم مبارک را در مسئولیت‌های مهم و حساس منصوب نموده و دیکتاتوری سبعمانه‌ای را برقرار ساخت که کماکان بر مصر حاکم است.

اما نکته مهم و قابل تأمل این است که چرا انقلاب‌های مردمی تونس و مصر موفق به استقرار نظامی دموکراتیک نگردید؟

مهم‌ترین علل و عوامل مؤثر در این رابطه عبارت‌اند از: سابقه طولانی اقتدارگرایی، تسلط ارتش، عقب‌ماندگی اقتصادی، فقدان ساختارهای نهادینه‌شده رقابت سالم سیاسی و ضعف جامعه مدنی و تضاد ایدئولوژیک میان جریان‌های اسلام‌گرا و سکولار.

این عوامل منجر به آن گردیده تا مردم خاورمیانه در بزنگاه‌های حساس سیاسی همچون

انقلاب‌های مردمی، به ناچار آزادی‌خواهی را فدای معیشت و امنیت نمایند. ^۱ نتیجه آنکه با رفتن یک دیکتاتور، دیکتاتور جدیدی جایگزین آن گردیده است. به عبارتی عمده انقلاب‌های خاورمیانه موجب تغییر افراد گردید تا تغییر ساختار و الگوهای فرهنگی و سیاسی نهاده‌شده. متأسفانه این تجربه در تحولات اخیر کشورهای عربی خاورمیانه به ویژه تونس و مصر تکرار گردید.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، مبتنی بر ادبیات نظری «تحلیل گفتمان» لاکلا و موف، تحولات ۲۰۱۱ جهان عرب را با تمرکز بر جنبش‌های انقلابی تونس و مصر مورد مطالعه و واکاوی قرار دادیم. در ابتدا ویژگی‌های گفتمان اقتدارگرای حاکم بر تونس و مصر مورد مطالعه قرار گرفت و مشخص گردید که دال‌های دیکتاتوری، فساد، سرکوب و تبعیض، این گفتمان‌ها را دچار ازجانندگی و بحران مشروعیت نمود. در غیاب گفتمان‌های اقتدارگرا، فضا برای مفصل‌بندی گفتمان‌های رقیب از جمله گفتمان مقاومت فراهم گردد. این گفتمان با تأکید بر دال‌های: «آزادی، برابری و کرامت» به گفتمان هژمونیک در تونس و مصر تبدیل گردیده و با هویت‌بخشی به اقل‌ساز و نیروهای متنوع اجتماعی و سیاسی، توانست زنجیره هم‌ارزی و ائتلافی از تمامی سلاقی و گرایش‌های فکری از گروه‌های لیبرال و مارکسیستی گرفته تا جریان‌های سنتی اسلام‌گرا و حتی قبطیان مسیحی، ایجاد نماید. جنبش انقلابی برآمده از گفتمان مقاومت با تکیه بر شبکه‌های مجازی و اطلاعاتی، جنبشی شبکه‌ای بود که فاقد رهبری، ایدئولوژی و ساختار مشخصی بود و به صورت افقی گسترش یافت. انتشار تصاویر خودسوزی بوعزیزی جوان دست‌فروش تونسی و قتل خالد سعید مصری در شبکه‌های مجازی آتش انقلاب را برافروخته و در کمترین زمان ممکن به جهان عرب تسری یافت. جنبش‌های شبکه‌ای تونس و مصر، عاملیت سیاسی و سوژگی جوانان و زنان را به عنوان نیروهای نوظهور سیاسی جهان عرب متجلی ساخت. این نیروها در غیاب احزاب و جریان‌های شاخص سیاسی، حرکتی را آغاز نمودند که توجه جهانیان را به خود جلب نمود. قدرت هژمونیک گفتمان انقلابی در تونس و مصر، مقاومت ارتش را نیز شکسته و این نیرو را مجبور به قطع حمایت از دیکتاتوری‌های حاکم و پیوستن به انقلاب نمود. این موضوع در پیروزی زود هنگام جنبش بسیار مؤثر بود. از جمله نکات جالب توجه

۱. برای مثال در جریان انتخابات ۲۰۱۴ مصر، عبدالفتاح السیسی با وعده بازگرداندن ثبات و آرامش و بهبود اوضاع اقتصادی توانست ۹۷ درصد آرا را کسب نموده و به مقام ریاست جمهوری نائل آید.

در انقلاب‌های عربی، صورت‌بندی گفتمان اسلام سیاسی مدرن است. این جریان‌ها متأثر از جهانی‌شدن به ویژه دال‌هایی مرکزی «دموکراسی» تلقی جدید و میانه‌رو از اسلام ارائه نمودند تا پاسخگوی نیازها و مطالبات روز جامعه باشد. به طوری که توانست پذیرش افکار عمومی جهان عرب را جذب نموده و به عنوان مهم‌ترین بازیگران سیاسی، در شرایط انقلاب و پس از انقلاب تونس و مصر نقش مؤثری ایفا نمایند. علیرغم پیروزی جریان‌ها اسلام‌گرای النهضه در تونس و اخوان المسلمین در مصر و تشکیل اولین دولت انقلابی توسط این جریان‌ها، بنا به دلایلی از جمله ضعف و ناکارآمدی در تشکیل دولت ملی، تشدید وخامت اقتصادی و اجتماعی و از طرفی قدرت فائده‌ارزش در هر دو کشور، ماه‌ها پس از حکومت اسلام‌گرایان در هر دو کشور خیلی زود به سرآمده و شاهد بازگشت اقتدارگرایی نوین با ظهور نظامیان در رأس قدرت در این کشورها هستیم.

اما نکته نهایی اینکه امروزه و به یمن دستاوردهای جهانی‌شدن از جمله توسعه فزاینده ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاع‌رسانی و ترویج و تکثیر گفتمان‌ها و ایده‌هایی همچون؛ مردم‌سالاری، رفاه و امنیت، حقوق بشر و شهروندی، جامعه مدنی جهانی، خودنماینده‌گی سیاسی، حقوق زنان، زمینه برای عاملیت و سوژگی بازیگران نوظهوری همچون زنان، جوانان و تهیدستان در مناسبات سیاسی و ساختار قدرت این جوامع فراهم گردیده است. این مسئله به عنوان چالش جدی گفتمان‌های اقتدارگرای حاکم بر کشورهای خاورمیانه، چشم‌انداز پیچیده و مبهمی را پیشروی این جوامع متصور ساخته است. از این‌رو اقتدارگرایان خاورمیانه برای تداوم بقا و حکومت خود ناگزیر از تغییر و تحول در ساختار قدرت و تمکین به خواست توده‌ها هستند. در غیر این صورت سرنوشتی همانند رژیم‌های تونس و مصر پیشروی آنان است.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- آرتز پل، ون دایک پیتر، کلمن اریش (۱۳۹۳)، از انعطاف‌پذیری تا شورش (تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی)، ترجمه رضا التیامی‌نیا، تهران: تیسرا.
- اشکار، ژیلیر (۱۳۹۵)، واکاوی ریشه‌ای خیزش‌های عربی، ترجمه؛ حبیب‌ت. ریاحی، تهران: نشر بیدار.
- اندرسون (۱۳۹۷)، انقلاب‌های عربی در چهارراه، ترجمه: سعید طهموری و یاشار

دارالشفاء آدرس: www.usmarxisthumanists.org

- اوتاوی، مارینا (۱۳۸۶)، گذار به دموکراسی یا شبه اقتدارگرایی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: نشر قومس.
- بیات، آصف (۱۳۹۲)، ریشه جنبش‌های عربی؛ موضوع نشست گروه مطالعات مصر و شمال آفریقا، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مهرماه.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، از بحران تا فروپاشی؛ کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی، تهران: نگاه معاصر.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم و جهان‌پور، عزیز (۱۳۹۲)، جنبش‌های انقلابی عربی؛ چشم‌اندازها و چالش‌های الگوی نوین دولت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: نشر فرهنگ گفتمان.
- جوفی، جبار (۲۰۱۱)، بهار عربی در شمال آفریقا، زمینه‌ها و چشم‌انداز، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاستلز، مانوئل (الف ۱۳۹۳)، قدرت ارتباطات، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کاستلز، امانوئل (ب ۱۳۹۳)، شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: نشر مرکز.
- لوید، پیتر (۱۳۹۵)، طبقه‌ی کارگر و تهیدستان شهری در جهان سوم، ترجمه حسینعلی نودری، تهران: نشر آشیان.
- نش، کیت (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، تهران: نشر کویر.
- نصری، قدیر (۱۳۹۲)، تأملی نظری در ماهیت و روند تغییر در جهان عرب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یورگنسن، ماریانه و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی

جلیلی، تهران: نشر نی.

ب- منابع لاتین

- Alsharekh, Alanoud (2011), Reform and Rebirth in the Middle East, Survival, vol.53, no.2, April
- Amin Azad, Nahed (2012), The Role of the Internet in Shaping the Political Process in Egypt, International Journal of E-Politics3(2), pp31-51
- Arief, Alexis (2011), Political transition in Tunisia, Congressional Research Service Washington
- Askar, Gilbert(2015), Social Movements and Social Justice, Concept and Policies after the Arab revolutions, Cairo Conference Papers, May,2014, Rosa Luxemburg Foundation
- Austin, L (2014), The politics of youth bulge; From Islamic Activism to Democratic reform in the Middle East and North Africa. Cambridge university press, UK
- Bayat, Asef (2017), Revolution without Revolutionaries: making sense of the Arab spring, Stanford University press, UK
- Bayat, A (2010). Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East. UK: Stanford University Press
- Bellin,E (2012). A Modest Transformation: Political Change in the Arab world after the "Arab Spring". The Arab Uprising and the Changing Global Order, University of Connecticut
- Bradley, Hope (2012), The last Days of Pharaoh. Amazon Digital Services
- Byman, Daniel(2011), Israel's Pessimistic view of the Arab Spring, Washington quarterly,34;3, summer.24. Foreign, Affairs (2011), "The New Arab Revolt: What Happened, What Means, and What Comes Next", available at: www.foreignaffairs.com

- Castells, M, (2007), “Communication Power and Counter-power in the Networked Society”, International Journal of Communication
- Comninio, Alex(2015), Twitter Revolution and Cyber breakdowns: user-generated cont. at: <https://www.un.org/en/development/desa/policy/capacity/studies-roa87-tun.pdf>
- Dewey, Taylor, et.al (2012), The Impact of Social Media on Social Unrest in the Arab Spring, Stanford University Press, CA, Match 20. Gause III, F.G. (2011). Why Middle East Studies Missed the Arab Spring. The Myth of Authoritarian Stability. Foreign Affairs, 90(4). PP.81-90
- Gause III, F.G. (2011). Why Middle East Studies Missed the Arab Spring. The Myth of Authoritarian Stability. Foreign Affairs, 90(4). PP.81-90
- Goldeston, J (2011a). Understanding the Revolutions of 2011: Weakness and Resilience in Middle Eastern Autocracies. In: Council on Foreign Relations (eds)
- Goldeston, J (2011b). Cross-class coalitions and the making of the Arab Revolts of 2011. Swiss Political Science Review
- Hashim (2011) Tawra 25 yanyir-qira an uliyya ruya mustaqbaliyya (The January 25 Revolution – initial interpretation and examination of the future). 3rd ed. Cairo: Al – ahram, center for political & strategic studies. pp.133-157
- Hesham, Mohamad. (2011), The revolution in the Egyptian, available at: <http://www.famousbloggers.net>
- Hamilton, Alec (2011, January 27), “From Tunisia to Egypt: Protests for Democracy in the Arab World”, Thursday, in <http://www.wnyc.org/articles/itsfree-country/2011/jan/27/tunisia-egypt-protest-for-democracy/>
- Hatatb, Abu and Reda, Assem (2013), Egypt within the Framework of the Global Financial Crisis: Impact, Response and Way Forward, , available at: www.emuni.si/press/ISSN/1855-3362/2-007p025
- Howard, P.N. and Muzammil M. Hussain, (2011), “The Upheavals in Egypt and

- Tunisia: The Role of Digital Media, *Journal of Democracy*, Vol. 22, No. 3, pp. 35-48
- Khalifa, Mahmoud. (2011), "The Role of Information Technology in Defeating the Arab regimes: Facebook 2-0 Arab presidents, Cairo University, 1 June 2011 available at:
http://www.ifla.org/files/assets/faife/Spotlight_1.pdf- last update: 5 October 2012
 - Kosman, N.A. (2015), The Egyptian women between the wigs of the revolution and stripping the reality. The Egyptian Center for Women's rights.. Available at:
<http://www.ecwronline.org/englishpress%20Report%202015.pdf/>
 - Labidi, Kamel (2014), Censorship in Arab countries, IFLA/FALFE world report
 - Laclau Ernesto and Mofe Chantal (1985); *Hegemony and Socialist Strategy. Toward a Radical Democratic Politics*, United Kingdom, Verso
 - Lat (2014), The Tunisia model, *Los Angeles Times*, October 24; Available at:
article.laimes.com/2011/oct24/opinion/la-ed-tunisia-20111204
 - Lindsey, Richard A. (2013), "What the Arab Spring Tells Us about the Future of Social Media in Revolutionary Movement, *Small War Journals*, July 2013
 - Lust, E. (2012) "Opposition Cooperation and Uprising in the Arab World. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 38(3). pp. 425-434
 - Lynch, M. (2011). The big Think Behind the Arab Spring Do the Middle East's revolution have a unifying ideology? *Foreign Policy*, December 2011
 - Mansour, Sherif. (2012), Egypt's "Facebook Revolution", Kefaya, and the struggle for democracy and good governance" (2008-ongoing), International Center on Nonviolent Conflict. <http://www.nonviolent-conflict.org/>
 - Phillips. Anne. (1995). *The Politics of Presence*. UK. London Guildhall University
 - Qandil, Amani (2011) Al-thawra wa al-mujtama' al-madani (The revolution and civil society) In: Rabi, Amru Hashim (2011) *Tawra 25 yanyir-qira an uliyya ruya*

mustaqbaliyya (The January 25 Revolution – initial interpretation and examination of the future). 3rd ed. Cairo: Al – ahram, center for political & strategic studies.pp.133-157

- Rasha, Abdullah (2005) “Taking the E-train: The Development of the Internet in Egypt”, Global Media and Communication; Volume
- Rieff, D.(2011). First Things First: Hosni Mubarak deserves to be on trial, Foreign Policy available at:[http://www. Foreignpolicy.com/articles/2011/04/18](http://www.Foreignpolicy.com/articles/2011/04/18)
- Smith, J. (2011). Globalizations Forum on Middle East protests: Commentary Globalizations, 8(5). Pp. 655-659
- Stadler, f . (2010); Manuel Castells: The Teory of the Network Society. Cambridge University, Political science department

پ- منابع عربی

- جبارین، یوسف (۲۰۱۱)؛ اهم انجازالثورات العربيه اعماده بناء الانسان العربى المتحدى القاهره، المركز العربى للحقوق و السياسات مؤخره
- لملوم، الفه (۲۰۱۱)؛ الاعلام و ثوره الجيل العربى الجديد، فى: [http: //www. Alijazeera. Net/NR/ exeres](http://www. Alijazeera. Net/NR/ exeres)
- هویدی، فهمی (۲۰۱۱)؛ «خطبه مصریه فی طهران»: <Http://www.aljazeera.net/NR/exeres/BB3E33E2-DA40-4CD9-A745-4A646B82EAI.htm>